

تبعید، بازنمایی و مسئله فلسطین

درباره کتاب *فراتر از واپسین آسمان*، نوشته ادوارد سعید (همراه با عکس‌های ژان مور)

پویا کاظمی

کتاب *فراتر از واپسین آسمان* نوشته ادوارد سعید، همراه با عکس‌های ژان مور، با ترجمه حامد شهیدیان در زمستان ۱۳۷۸ توسط نشر بعثت برای نخستین بار منتشر شد. پس از آن این کتاب با همین ترجمه توسط نشر هرمس منتشر گشت. این کتاب که اکنون به طرز تأسفباری نایاب است، از نخستین و معدود خودمردم‌نگاری‌های ترجمه شده به زبان فارسی است. من در مرور کوتاه این کتاب قصد دارم تا کار سعید را از چهار جنبه به بحث بگذارم که همگی با مسئله بازنمایی-نماینده‌گی^۱ نسبتی دارند. نخست به فرم روایی کتاب با بهره‌گیری از بحث آل-کسابه خواهیم پرداخت و از طریق بررسی، آن را در زمینه وسیع‌تر خودمردم‌نگاری قرار خواهیم داد و به نسبت این فرم روایی-جامعه‌شناختی با نظم گفتار مسلط دانش و تضمینات آن در تقلیل سوژه پژوهش خواهیم پرداخت. در بخش دوم، فرم قطعه‌قطعه و ناهمگن کتاب را در نسبت با مسئله هویت جمعی فلسطینیان و هویت شخصی سعید به عنوان یک تبعیدی به بحث خواهیم گذاشت. علاوه‌براین در بخش سوم به نقش رسانه عکاسی و اضافه‌شدن کیفیت بازنمایانگر آن رجوع خواهیم کرد. در بخش آخر، نسبت این دست تولیدات را با وضعیت اینجا و اکنون مطرح خواهیم ساخت.

یک: خودمردم‌نگاری دیداری^۲ و فرم روایی

در تلقی *رباب طاها آل-کسابه*^۳ کتاب سعید یک خودمردم‌نگاری دیداری است. این شیوه را می‌توان «رویکردی پژوهشی و نوشتاری» دانست «که تلاش دارد با توصیف و تحلیل نظام‌مند تجربه شخصی به درکی از تجربه فرهنگی برسد» (وبسایت نشر اطراف، ۱۳۹۸) این فرم در نسبت با ادبیات، در اواخر قرن بیستم با چالشی که به «چرخش به سوی خود» شناخته می‌شود، پدید آمد (نفیسی، ۶۳: ۱۳۹۰). این بازاندیشی در انسان‌شناسی بنا داشت تا «ردپای روابط نابرابر قدرت در متون و اظهارات ظاهراً "معصومانة" نویسندگان و محققین شرق‌شناس» (همان، ۶۵) را نشان دهد و بزاید. تحت تأثیر این رویه دیگر یک مردم‌نگاری نه حقیقت یک فرهنگ، بلکه تنها یک نسخه از بازنمایی آن بود.

استفاده سعید از این فرم را باید مبتنی بر دغدغه همیشگی او درباره «مسئله نمایندگی» و «بازاندیشی در نقش روشنفکران و نقد» دانست. (آل-کسابه، ۶۳۷: ۲۰۱۶). او با استفاده از بالقوگی‌های شاعرانگی به مقابله با «اقتدار آکادمیک» می‌پردازد و بر «شناسایی متقابل فرهنگ اروپایی و پروژه امپریالیستی» آن پافشاری می‌کند (همان). از این رو سعید در کتاب فرهنگ و *امپریالیسم* از ترم *قرائت چندصدایی*^۴ سخن می‌گوید. این مفهوم شامل «آگاهی از تاریخ کلان [که در آرشیوهای فرهنگی] روایت می‌شود و توأمان با گونه‌های دیگر از تاریخ که در برابر گفتار مسلط به عمل می‌پردازد» است (همان). اگر همین قرائت را به منزله روش روایی در این کتاب داشته‌باشیم، در خواهیم یافت که کتاب او قرار نیست روایتی واحد و منسجم را از فلسطینیان به دست دهد. بلکه بالعکس او با حفظ پیچیدگی‌های بازنمایی، هویت فلسطینیان و عطف به موقعیت خود به عنوان یک نویسنده تبعیدی به نمایش «گوشه‌ای از ناتمامی ملی» آنها پرداخته است (سعید، ۱۹۵: ۱۳۷۸). آل-کسابه از سعید نقل می‌کند که «تجربه تبعید، مهاجرت و عبور از مرزها، اشکال داستانی جدید و یا [...] روش‌های دیگر گفتن^۵ را برای ما فراهم می‌آورد». از این رو خودمردم‌نگاری

^۱ Representation

^۲ Visual Autoethnography

^۳ Rabab Taha Al-Kassabeh

^۴ ترجمه این اصطلاح متعلق به اکبر افسری است. بنگرید به: سعید، ادوارد. (۱۳۸۲). فرهنگ و امپریالیسم: بررسی فرهنگی سیاست امپراطوری. ترجمه اکبر افسری. تهران: توس.

^۵ Tell

بدل به یک استراتژی در خدمت مداخله‌ای سیاسی می‌گردد. مداخله‌ای که درپرسش از بازنمایی‌های کلان یا آنچه بازنمایی «از مرکز» خوانده می‌شود، شکل گرفته و بدل به راهی برای گسترش صدهای در حاشیه می‌گردد (پرت به نقل از آل-کسابه ۲۰۱۶:۶۳۸).

دو: روایت ناهمگن و مسئله هویت فلسطینیان

سرآغاز رسمی هویت‌زدایی از فلسطینیان روز نکبت خوانده می‌شود. روزی که سالگرد تأسیس اسرائیل در ۱۹۴۸ نیز است. به تعبیر احمد سعدی (۱۳۹۷) فرایندی که در روز نکبت به اوج خودش رسید، فرایندی تدریجی و تاریخی بود. رویه‌ای که پس از اتمام دوران استعمار فلسطین تحت اشغال بریتانیا آغاز یافت و صهیونیست‌ها با کمک بریتانیا، به شکلی تدریجی به مصادره زمین‌های فلسطینیان پرداختند. آنها در نهایت توانستند در جنگی نهایی و به‌بهانه قطعنامه سازمان ملل، فلسطینیان را از کشوری که بدان تعلق داشتند تبعید کنند^۶ (سعداوی و ابوقولاد ۴۰۸ تا ۱۳۹۹:۴۱۰). باوجود این اشغال فلسطین به تنهایی برای زدودن حضور آنان کافی نبود. فلسطینیان با اقسام متنوعی از سازوکارهای حذف و بیرون‌گذاری روبه‌رو شدند، که شامل هویت‌زدایی مکان‌زدایی، تاریخ‌زدایی و در نتیجه زدودن گفتار ملی‌گرای فلسطینیان، بود.

همچنین نقش روایت غالب اسرائیل را در مشروعیت بخشی به روند هویت‌زدایی نباید مسئله‌ای کم‌اهمیت انگاشت. به تعبیر سعدی روایتی که اکنون وضعیت فلسطین و اسرائیل را در هاله‌ای از ابهام فرو برده، برخاسته از روایت غالب اسرائیلی است. این امر «بازیابی وقایع» و «ارائه روایتی معنادار و عرضه آن به جهانیان را به کاری شاق و طاقت‌فرسا بدل کرده است» (سعدی، ۱۳۹۷:۴۱۲) روایتی که فلسطینیان را به گروهی از اعراب فروکاسته (سعید، ۱۳۹۹:۸۲) و هویت آنان را در یک کلیت همگن می‌زداید.

اکنون فلسطینیان در شرایطی زندگی می‌کنند که در تمام جهان پراکنده شدند، عده‌ای شهروند درجه دو اسرائیل هستند، عده عظیمی در شهرها و شهرک‌های فلسطینی، با انواع ستم به شکل روزمره مواجه‌اند و عده‌ای دیگر در وضعیت تبعید و دوری از وطن به سر می‌برند. بدیهی است که برای روایت‌گری از چنین وضعیتی، که بر مدار تاریخ‌زدایی، توقیف آرشیوها و روایت‌ها می‌چرخد، نمی‌توان از ابزارهای متعارف روایی و نظری بهره برد، زیرا نمی‌توان درباره فلسطین یک صدای واحد یافت یا گفتاری ملی‌گرایانه که در تمامیت خودش دارای انسجام روایی باشد.^۷ بدین معنا در وضعیتی که هیچ «روایت روشن و ساده‌ای به‌قدر کافی گویای تجربه پیچیده فلسطینیان نیست» (سعید، ۱۳۷۸:۱۷) برای شناساندن آنها باید «مجموعه‌ای از شیوه‌های بیانی غیرمعمول، چندگانه، شکسته و ناهمگن را به کار گرفت» (همان، ۱۹). به‌همین دلیل ساختار وقایع‌نگارانه^۸ صرف برای روایت از فلسطینیان بسنده نیست، چراکه این «داستان»ها دائماً توسط آنان «بازگو» شده و تغییر می‌یابد (آل-کسابه به نقل از سعید ۲۰۱۶:۶۴۰).

در این میان، سعید در موقف نویسنده‌ای تبعیدی که تنها چیزی که از فلسطین در اختیار دارد، نه تجربه زیسته و تاریخی آن، بلکه بازنمایی آن است. از این حیث فهم و تبیین بازنمایی فلسطین و مشخص کردن نسبت خودش با آن برای او بدل به ضرورتی عاجل می‌شود. همانگونه که او می‌گوید: «چیزی از دست رفته است، ولی بازنمایی تنها چیزی است که در اختیار داریم» سعید به نقل از آل-کسابه، ۲۰۱۶:۶۴۲). او بارها به این مسئله اشاره می‌کند: در جایی به نقش بازنمایی در تقلیل هویت فلسطینیان و در جایی دیگر به اهمیت روایت قطعه‌قطعه از سرگذشت فلسطینیان می‌پردازد. او می‌نویسد: «تصاویر مورد استفاده برای بازنمایی ما، تنها ما را تقلیل می‌دهند [...] کلمه ترور، مردی که کفیه پوشیده و ماسک دارد را تداعی می‌سازد» (سعید، ۱۳۷۸:۱۷).

^۶ برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: سعدی، احمد. (۱۳۹۷). *تأملاتی درباره بازنمایی، تاریخ و مسئولیت اخلاقی*. در کتاب نکبت: فلسطین، سال ۱۹۴۸ و *دعای حافظه*. احمد سعدی و لیلیا ابولقود. ترجمه احمد نادری و محسن منجی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

او این امر را در افقی وسیع تر نیز پی می‌گیرد: مسئله نمایندگی در رسانه‌های تلویزیونی. آنها «تنها زمانی یک عرب را برای صحبت دعوت می‌کنند که بخواهند در خبرهای خسته‌کننده مربوط به تروریست‌ها تنوعی ایجاد کنند» (همان ۱۶۶:۱۳۷۸). درواقع سعید، لنز تبعید را بدل به منظری برای دیدن می‌کند. منظری که به او این امکان را می‌دهد تا از دوگانه بیرون-درون عبور کند و یک ضد-روایت^۹ را برای مقابله با روایت غالب از فلسطینیان برساند.

سه: عکس و بازنمایی اپیزودیک

نسبت سعید با رسانه عکاسی را باید عطف به آنچه که او بعدها در *ابداع، خاطره و مکان* می‌نویسد؛ فهم کرد. او هدف خودش از استفاده از عکس همراه با متون ضمیمه را شکستن طلسم افسانه فلسطین به منزله سرزمینی متروک و با مردمانی بی‌نام‌نشان می‌داند (سعید، ۹۰:۱۳۹۹). از این جهت می‌توان حدس زد که خصلت واقع‌نمایانه عکس‌ها در نمایاندن مردم فلسطین، مهم‌ترین دلیل اتکای او به این رسانه است. او در جایی دیگر می‌نویسد «دقت واقع‌گرای آنها [عکس‌ها، ن.] تأثیری ژرف‌تر از اطلاعات خشک و خالی برجای می‌گذارد» (سعید، ۳۱:۱۳۷۸). این خصلت واقع‌نمایانه که در نظر او کیفیتی «اپیزودیک و بدون داستان»^{۱۰} (سعید، ۱۷۳:۱۳۷۸) دارد، این امکان را به او می‌دهد تا به شکلی توأمان در مقام خواننده و نویسنده کار خود را پیش ببرد (آل-کسابه ۶۴۳:۲۰۱۶).

عطف به این برداشت از عکس، انتخاب این رسانه را می‌توان معلول علت دیگری نیز دانست. این امر همان‌گونه که گفته شد، در نسبت با همگن و پیوسته نبودن ملت فلسطین، تکثر و در نتیجه تصویر آن - در معنایی کلی - است (سعید، ۱۵۹:۱۳۷۸). سعید می‌نویسد:

«برای ما ممکن نیست که به یک تصویر مرکزی (چیزی مشابه مهاجرت دسته جمعی، کشتار دسته جمعی یهودیان به دست نازی‌ها، راهپیمایی بزرگ) در تاریخمان تأکید کنیم؛ هیچ زبانی برای وصف حال ما کافی نیست. شک دارم که اگر کسی حالا هم بتواند چنین زبانی را تدوین کند، بتوانیم آن را به خوبی به کار گیریم. فضای بدون نظم میان ما، گرچه بخشی از گذشته و تاریخ ماست، کل آن نیست؛ تلاشی را می‌ماند برای ساخت چیزی فاقد چارچوب، در اطراف زمینی که نقشه اش به طور کامل تکوین نشده است. بدون مرکز. ناموزون» (سعید، ۱۵۸:۱۳۷۸).

از این رو کیفیت اپیزودیک عکس‌ها در کنار متن‌ها همبسته‌ای را می‌سازد که به شکلی انتقادی به روایت زندگی روزمره فلسطینیان می‌پردازد. کیفیتی که به واسطه هم‌نشینی زبان و تصویر خصلتی را به کتاب اضافه می‌کند که به تعبیر آل-کسابه «به امید بازگرداندن مداخله‌ای انتقادی در عمل عکاسی و تولید تصویر صورت گرفته است» (آل-کسابه، ۶۴۰:۲۰۱۶). این پیوند که می‌تواند به عکس‌ها «ارزشی انقلابی» ببخشد، استراتژی است که تصاویر را «از بند کلیشه‌های باب روز» و مصرفی شدن صرف آن خلاص می‌کند (بنیامین، ۸:۱۳۹۸).

با این حال، او به بازنمودی بودن عکس‌ها و همچنین ابژکتیوکردن^{۱۱} این رسانه - در بازنمایی فلسطینیان - آگاهی دارد و در جای جای کتاب این مسئله را یادآور می‌شود. از این رو در پایان می‌نویسد:

«ما فلسطینی‌ها گاهی این واقعیت را فراموش می‌کنیم - زیرا از این کشور به آن کشور، زیر نظر بودن و مطالعه کردن روی فلسطینی‌ها، بخشی است از روند سیاسی تنزل ما و پیشگیری از تبلور ما به عنوان یک ملت، مگر در قامت وجودی

^۹ Counter-narrative

^{۱۰} Storyless

مترجم فارسی این دو کلمه را به «تفنی» ترجمه کرده است که بازگویی معنای این رسانه نزد سعید نیست.

^{۱۱} Objectify

"دیگر" است. او ادامه می‌دهد: «ما چیزی بیش از یک شی^{۱۲} هستیم. کاری که ما می‌کنیم به مراتب بیشتر از آن است که منفعلانه روبه‌روی کسی بایستیم که به دلایل مختلف می‌خواهد ما را نگاه کند».

بدین ترتیب سعید با بسط معانی نمادین هر عکس، به بسط روایت سوژکتیو خودش از فلسطینیان می‌پردازد تا بتواند آن را به یک ناسازواره ملی و تاریخی بدل کند. بدین معنا و در تعبیری بنیامینی می‌توان گفت شرح سعید، هر عکس را بدل به مَنادی تاریخی می‌کند. مَنادی که امر شخصی را در امر جمعی، و امر جزئی را در امر کلی گردآورده است. او در تبعید تصاویری را که «بی‌نام و زمینه»، «بدون شرح» و «خاموش» هستند را فرامی‌خواند تا روایت قطعه‌قطعه از مردمان عادی، زندگی روزمره و ستمدیدگی تاریخی فلسطینیان عرضه کند (سعید، ۱۳۷۸:۳۱).

آخر: فراتر از واپسین آسمان و اینجا و اکنون

قراردادن کار سعید و بررسی امکان‌های در نسبت با وضعیت اینجا و اکنون کاری دشوار و بغرنج به‌نظر می‌رسد. ما نیز در وضعیتی به‌سر می‌بریم که نیروهایی در سطح کلان و مداوم در حال روایت‌زدایی-روایت‌سازی از تجربه زیسته ما هستند، همین امر را در شکل بسط یافته‌اش در فرآیند تاریخ‌زدایی-تاریخ‌سازی که در جریان است نیز می‌توان مشاهده کرد. این روایت‌ها، تکثر، پراکندگی و تکه‌تکه‌بودگی تجربه زیسته انسان ایرانی را نادیده می‌انگارند یا آن را طرد و در سایه می‌گذارند. در چنین وضعیتی بیش‌ازپیش ضروری است که روایت‌های متکثر و خرد بیان شوند. این روایت‌ها می‌توانند چالش‌های جدیدی را پیش‌روی ما بگذارند، چالش‌هایی که هرکدام از خلال درز و شکاف‌های جمعی ما بیرون می‌زند. همچنین در نسبت با تاریخ، روایت‌ها می‌توانند گذشته‌ای دیگر را فرابخواند و جسمیت ببخشد. تجسمی که امکان‌های متفاوتی برای فهم وضعیت اکنون و تخیل آینده به‌دست دهد. همچنین، پیوند میان زبان و عکس در این کتاب برای ما - علاقه‌مندان به تصویر عکاسیک - می‌تواند الهام‌بخش باشد. پیوندی که به شکلی انتقادی معنای عکس را بسط می‌دهد، آن را به چالش می‌کشد و با آن به گفتگو می‌پردازد. این هم‌نشینی معطوف به مسئله بازنمایی، تمرکز ما را نسبت به کنش عکاسی جلب کرده و نقش ما در بازتولید یا نفی نظم غالب پرنرنگ می‌سازد. تنها در چنین افقی است که پیوند زبان و تصویر منجر به تولیداتی فراتر از کتاب‌های مبتذل شعر و عکس خواهد شد. در پایان جریان خودمردم‌نگاری که مدتی در ایران پا گرفته است،^{۱۳} می‌تواند با بهره‌گیری انتقادی از رسانه‌های لنزبنیان -همچون عکاسی- به گسترش مرزهای خود و تعامل بیشتر با موضوع مورد مطالعه‌اش بپردازد.

^{۱۲} Object

^{۱۳} بنگرید به پایان‌نامه‌های رشته مطالعات فرهنگی در دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه علم و فرهنگ. همچنین انتشارات خرد سرخ، در مجموعه مردم‌نگاری‌اش دو کتاب تحت عنوان *در تقاطع سنت، فقر و جنسیت* نوشته سپیده ثقفیان و *انگار لال* شده بودم نوشته سپیده سالاروند، منتشر کرده است، که به روایت فرودستان در ایران می‌پردازد.

منابع:

- آدورنو، تئودور؛ هابزبام، اریک؛ سعید، ادوارد و دیگران (۱۳۹۹). *خاطره، تاریخ و تروما: سیاست و ابداع خاطره*. گردآوری و ترجمه سپیده برزو. تهران: خرد سرخ.
- بنیامین، والتر (۱۳۹۸). *مؤلف به مثابه تولید کننده: با دو مقاله انتقادی از بوریس بودن و هیتواستیرل*. ترجمه ایمان گنجی و کیوان مهتدی. تهران: زاوش.
- سعدی، احمد و ابولقود، لیلا (۱۳۹۹). *نکبت: فلسطین، سال ۱۹۴۸ و دعاوی حافظه*. ترجمه احمد نادری و محسن منجی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۸). *فرا تراز واپسین آسمان: زندگی مردم فلسطین*. ترجمه حامد شهیدیان. تهران: بعثت.
- نفیسی، نهال (۱۳۹۰). *مردم‌نگاری و نیم قرن تغییر و تحول در فرهنگ حرفه‌ای انسان‌شناسی*. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. ش ۱.
- ؟ (۱۳۹۸). *خودمردم‌نگاری، تلفیقی از خودزندگی‌نامه‌نویسی و مردم‌نگاری*. وبسایت نشر اطراف. (تاریخ بازیابی: ۰۰/۴/۱۵):
<https://b2n.ir/u27681>

- Al-Kassabeh, Rabab Taha (2016). *Visual Autoethnography: Reconstructing the "Other" in Edward Said's After the Last Sky*. Dirsat, Human and social science. Vol. 43.